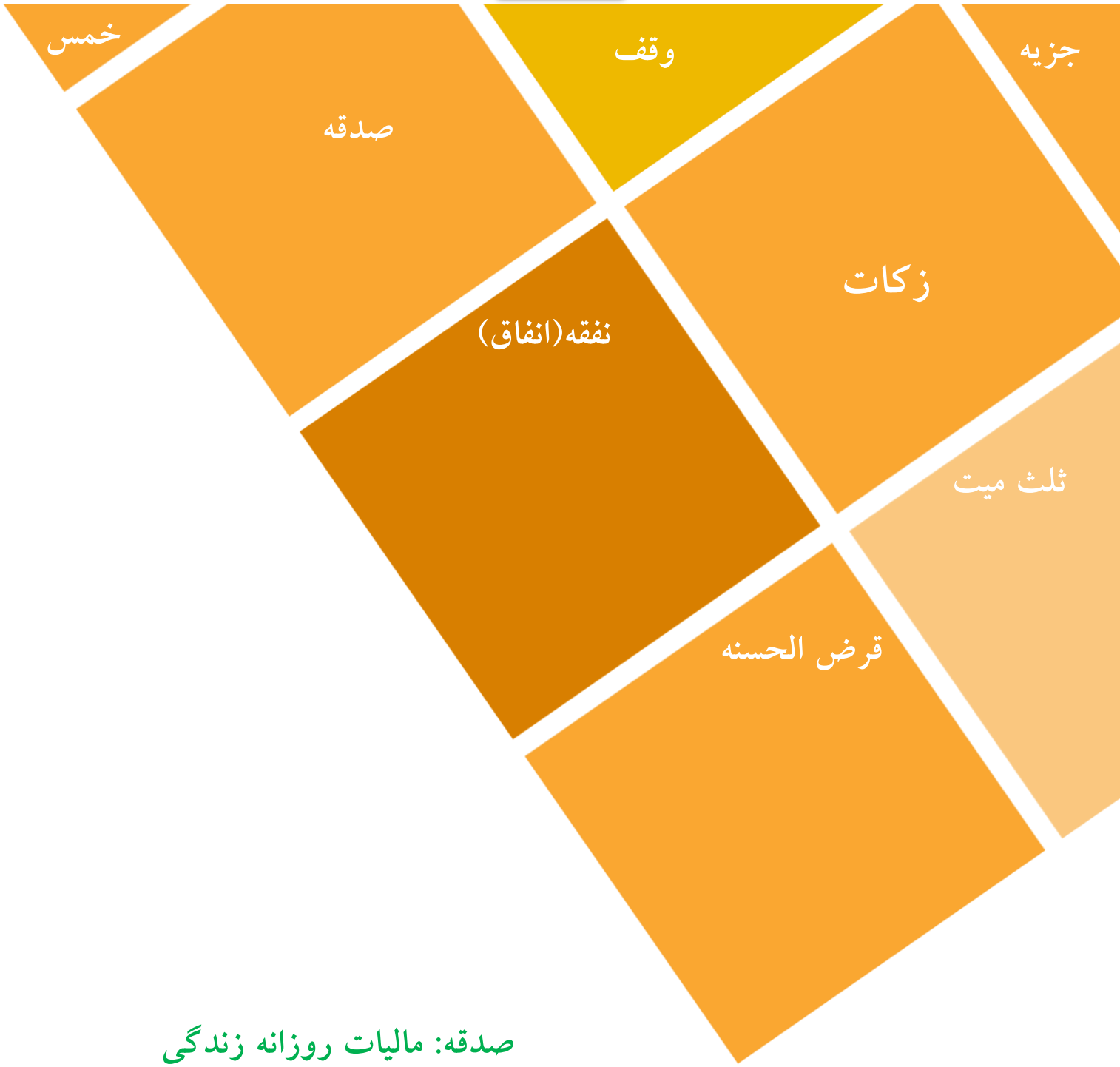
بسمه تعالی



صدقه: مالیات روزانه زندگی

نادر حسن زاده

(تاریخ نشر ۱۴۰۰/۱/۵. تاریخ بازبینی چهارم ۱۴۰۰/۲/۶)

hasanzadehr@yahoo.com

علت نوشتن این مطلب رسیدن به آیات مربوط به صدقه در سوره توبه و سوره یوسف است. تاکید بر دادن صدقه و محل مصرف آن در این آیات که برای من بسیار جالب و الهام بخش بود. معمولا صدقه در ایران یادآور صندوق صدقات در سطح شهرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ است که کلی هم درآمد داشت (۳۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان صدقه از سوی تهرانی‌ها در دی ماه سال ۱۳۹۷) و قرار بود این طرح بر متکدیان یک نسخه نجات و برای خیابانهای ایران آبرو و مایه مباهات باشد. و دیدیم آخر و عاقبت این طرح به کجا انجامید. ذبح کامل یک اصل مترقی اسلامی که نوع دیجیتالی آن هم کمک به احیای آن نمی کند.

تصوری که آقایان از این طرح داشتند به تاسی از روایات معتبر روی همین صندوق ها ثبت و ضبط بود:

-صدقه عمر را زیاد می کند.

-صدقه باعث شادی دلها می شود.

-صدقه دفع بلا می کند.

-صدقه دوستی با خدا دوری از بلا.



ایشان معتقدند در اسلام دو نوع صدقه مطرح است:

۱. صدقه واجب که همان زکات است و در آیات قرآن و روایات مقدار مصرف آن و مستحقین آن بیان شده است.
۲. صدقه مستحبی که دارای فضیلت بسیاری است. از جمله زیادی رزق و روزی، شفای بیماریها، دوری از آتش جهنم، دفع ۷۰ بلا و مصیبت در دنیا و طولانی شدن عمر....اتفاقا این معنا از صدقه منطبق با مفاد آیه ۶۰ سوره توبه است.
۳. صحبت از صدقه جاریه هم هست که مصداق بارز آن وقف است.

در تفسیر سه آیه سوره توبه، صدقه را معادل زکات دیدند:

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ – از اموالشان صدقه (زکات) دریافت کن که به سبب آن نفوس و اموالشان را پاک می کنی، و آنان را رشد و تکامل می دهی و به هنگام دریافت زکات بر آنان دعا کن؛ زیرا دعای تو مایه آرامشی

برای آنان است؛ و خدا شنوا و داناست* آیا ندانسته اند که فقط خداست که از بندگانش توبه را می پذیرد و صدقات را دریافت می کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه پذیر و مهربان است (توبه/۱۰۴-۱۰۳).

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ – صدقات، فقط ویژه نیازمندان و تهیدستان و کارگزاران این امر(جمع آوری و توزیع صدقات) و آنانکه باید به خاطر تمایل به اسلام قلوبشان را به دست آورد، و برای آزادی بردگان و پرداخت بدهی بدهکاران و هزینه کردن در راه خدا که شامل هر کار خیر و عام المنفعه می باشد و در راه ماندگان است. این احکام فریضه ای از سوی خداست و خدا دانا و حکیم است(توبه/۶۰).

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ– پس چون برادران یوسف بار دیگر او را درمصر ملاقات کردند گفتند ای عزیز به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه ای ناچیز آورده ایم بنابراین پیمانه ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد (یوسف/۸۸).

با این شفافیتی که در این آیات و آیات مشابه است آیا واقعا صدقه همان زکات است؟ یا صدقه قرآنی متفاوت از صدقات عرفی جامعه است؟ یعنی اینقدر این مفاهیم پیچیده است که نیاز به فرمول ریاضی دارد؟

آیات فوق نشان می دهد:

۱. صدقه را بندگان پاک خدا می دهند با هدف پاکسازی نفس خود و پاک کردن اموال شخصی خود و افزایش دادن موجودی اموال خود (تطهیر و تزکیه).
۲. صدقه را به پیامبر (ص) می دهند تا صدقه دهنده را مشمول دعای خود قرار دهد تا بیمه خدا و رسول خدا باشد.
۳. صدقه بلافاصله به دست خدا می رسد. از امام سجاد (ع) روایت شده است که چون به سائل صدقه می داد دست او را می بوسید. عرض کردند چرا اینکار را می کنی؟ فرمود برای آنکه صدقه واقع می شود در دست خدا پیش از دست بنده و هر چیزی ملکی موکلّ قبض دارد مگر صدقه که در دست خدا واقع می شود.
۴. خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد.
۵. مستحقین دریافت کننده صدقه: ۱) **نیازمندان، ۲) تهیدستان، ۳) کارگزاران یا عاملین اخذ و توزیع، ۴) آنانکه باید قلوبشان را به دست آورد، ۵) بردگان، ۶) بدهکاران، ۷) برای امور خیریه و عام المنفعه و ۸) در راه ماندگان.**

در این آیات اهمیت صدقه اگر همردیف زکات نباشد بالاتر از آن است. زیرا

۱. این دو (زکات و صدقه)، ۸ گروه آسیب پذیر جامعه را تحت پوشش قرار می دهند.

۲. گروه های هدف زکات و صدقه یکیست.
۳. هر دو هم فریضه الهی محسوب می شوند (فَرِیضَةً مِنَ اللّه).
۴. برای زکات حدنصاب تعیین شده است. اما برای صدقه میزان آن دل بخواهی است. در حد وسع است. حداقل تا حداکثر است.

مشخص است ساماندهی این تعداد قشر مستضعف جامعه با پول اندک صدقات مردمی امری غیرممکن است. مگر وجوب و وجوه دیگری از طریق زکات، خمس، ثلث میت، وقف، انفاق، قرض الحسنه، جزیه و نذورات و خیرات مازاد بر سازمان دریافت و بین طبقات آسیب پذیر جامعه توزیع بشود.

معلوم است که سلامت اقتصادی جامعه منوط به حفظ توازن بین ۱) اخذ مالیات از متمولین و ۲) ممانعت از انباشت سرمایه (کنز و تکاثر) از سوی سرمایه داران نااهل است. و گرنه هر مقدار هم مالیات جمع بشود پولدارها روز به روز پولدارتر و فقرا هر ثانیه فقیرتر می شود. مثل شرایط امروز جامعه ما.

علت تنوع در مالیات های اسلامی:

شاید مجزا کردن این وجوه با عناوین مختلف نظیر صدقه و زکات و خمس...برای عمق دادن به اهمیت مالیات در اسلام است. اما مهمتر از آن **تحت پوشش قرار دادن همه لایه های فقر و همزمان رصد کردن همه لایه های ثروت اندوزی است. دیدن این ابعاد برای رفع مشکلات اقتصادی یک جامعه اسلامی نه به روز که به ساعت است. صدقه که آنلاین است.**

مثل لایه های هفتگانه زمین، آتمسفر (جو) و آسمان که هر کدام جایگاه خود و مسئولیت خود را دارند. یک آسمان است با هفت لایه. یک زمین است با هفت لایه. یک جو است با هفت لایه. و هر پدیده ائی که لایه به لایه است.

ادیان و مکاتب هم لابد سیستم مالیاتی خاص خود را دارند.

بطور مثال، کشور آلمان دارای ۴۰ نوع مالیات مختلف است. از مالیاتهای تجاری گرفته تا مهاجرتی. از نوشابه های الکلی گرفته تا داشتن حیوان خانگی. ادیان الهی حداقل زکات را دارند (انبیا/۷۳). آنچه که اسلام را برجسته می کند دیدن همه ابعاد زندگی با تشریح انواع مالیاتهای حلال است. در اسلام نه کالای حرام تولید می شود و نه مالیات حرام گرفته می شود.

در این بین، صدقه تنها مالیات اسلامی است که فاقد محدودیت زمانی و مکانی است. بنام خدا و پیامبر (ص) می شود بیواسطه در صندوق صدقات ریخت. صبح و عصر و نیمه شب هم ندارد.

چند روز پیش برای زیارت به شاه عبدالعظیم رفتیم. دیدم در سمت راست ورودی حرم یک شبستان را تغییر دکور دادند و تبدیل کردند به جمع آوری نذورات و خیرات. به خود گفتم این بی هنری تا چند قرن دیگر باید گریبان این کشور را باید

بگیرد. یک دیوار قرینه سمت چپ حرم را تخریب می کند. بالای سر آن تابلوی دیجیتال نصب می کنند تا نذورات مردم را جمع بکنند! داخل حرم هم چند جا مشغول جمع آوری نذورات هستند! بخاطر کرونا هم که درآمد حرم در حد ناچیز است.

هنوز هم دیدن عکس های قدیم میدان حسن آباد و توپخانه تهران و تبدیل آن به ساختمانهای بی قواره دل هر انسان ایرانی وطن پرست را بدرد می آورد.

ای بشر دنیا برای زندگی است

صبر ایوب هم نداری زندگی است

لفظ گفتن زندگی است

محض دیدن زندگی است

یک شکوه در پشت ابر

یک درون، دنیای ابر

چشم ببیند زندگی است

غم نبیند زندگی است

تار و پود زندگی یک زندگی است

یک گره کمتر ندارم زندگی است

خمس اگر دادم برای زندگی است

از زکات گفتند نگفتند زندگی است

این ردیف (صدقه) با آن ردیف (زکات) یک زندگی است

بذل و بخشش از نشاط زندگی است

قرض احسن گر تو دادی زندگی است

قهر اکبر گر نکردی زندگی است

تا سمنگان با تو رفتم زندگی است

ای کجائی زندگی این زندگی است

مادران گفتند بمانید زندگی است

شخص من گفتند بگویم زندگی است

پر واضح است اخذ مالیاتهای اسلامی برای بسامانی لایه های مرتبط با موضوعات ریز و درشت اقتصاد یک کشور اسلامی است:

لایه سطحی برای تامین پوشاک و رفع جوع است.

لایه دوم برای تامین مسکن و ازدواج است.

لایه سوم برای تولد و تزاید نسل است.

لایه چهارم تحصیلات فرد مسلمان است.

لایه پنجم برای اشتغال و حل معضل بیکاری است.

لایه ششم برای تامین کادر مدیریت کشور است.

لایه هفتم برای حفظ کیان اسلام و شکوفائی یک کشور اسلامی است.

کارکرد مالیاتهای اسلامی در جهان امروز:

اگر دیگر آیات الهی ازلی و ابدی هستند آیات مربوط به مالیاتها هم کارکرد بین دورانی و بین اعصاری دارند. متاسفانه چون مفت بدست آمده است و بنام دین است و فرار مالیاتی ندارد استقبال از آن کم است.

البته که روزی این اسامی و این فرمول های الهی جنبه جهانی به خود خواهند گرفت.

شیعه ها هم اگر منتظر ظهور حضرت مهدی (عج) هستند خود را برای دادن انواع مالیاتهای خرد و درشت آماده کنند. با مداحی و خوردن شربت و شیرینی و چراغانی گذرگاه ها که زمان ظهور نمی رسد.

حتما اقتصاددانان بنامی ظهور خواهند کرد و به اجرای تمام و کمال این اصول متعهد خواهند بود و بانک جهانی خاص اسلام را ایجاد خواهند کرد.

اقتصاددانان فعلی را دیدیم چه بر سر بانکداری اسلامی آوردند! هنوز هم مشخص نیست تفاوت سود با بهره در چیست! چرا حسابهای قرض الحسنه ها اینقدر بی روح و بی رونق و بانک هائی که سود بیشتری می دهند پر مشتری و پر اختلاس هستند! می شد مسلمان ماند و به این شکست ها اعتراف و در ترمیم نقایص آن همت گزارد.

اما مزه دریافت وجوه ربائی از ربانی دلچسب تر است. محاسبه اش آسان تر است. راه های گریز از مرکزش زیادتر است. لازم نیست مغز فسفر بیشتری بسوزاند. کار با رئیس بانک راحت تر است تا با پیامبر خدا! حقوق و مزایای بانکداری به سبک جهانی بیش از بانکداری اسلامی است.

طبقه بندی مالیاتهای اسلامی و مصارف مشخص آن نشان می دهد:

۱. هر مسلمانی در یک کشور اسلامی و غیر اسلامی دارای مسئولیت خطیری است.
۲. مدیران مسئول تر هستند.
۳. تامین بودجه هر یک از این لایه ها مستلزم اخذ مالیاتهای چندگانه اسلامی است.
۴. درآمدهای ارزی از محل عرضه منابع خدادادی زیر زمینی و روی زمینی و فضاهای کشورها خود یک گنج ناتمام است. غربی ها بیشتر از مسلمانان از این عایدات سود بردند. شیشه دادند و الماس گرفتند.

چند پرسش درباره مالیات های متنوع و متعدد اسلامی:

۱. آیا خمس شامل صدقه هم می شود؟ خمس یکی از منابع تامین کننده مالیات اسلامی است. مقدار آن مشخص است. یک پنجم. برای خدا و برای پیامبر است و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه است (انفال/۴۱). در منابع شیعی اموال غیرمنقول چون ملک و مستغلات هم مشمول خمس می شود. یک آیه ناظر بر دادن خمس است. اهل تسنن وجوب آن را برای غنیمت های جنگی جایز می دانند.

۲. آیا ثلث میت شامل صدقه می شود؟ مثل مورد بالا، ثلث میت یکی از منابع تامین مالیات اسلامی است. مقدار آن مشخص ترین است. هیچ مالیات اسلامی اینقدر دقیق در قرآن معین نشده است! سهم الارث همه وراث به ریز تعیین شده است. در حالیکه در مورد زکات که مهمترین منبع مالیات اسلامی است فرمول خاصی در قرآن تعیین نشده است. در فقه برای زکات از لفظ "نصاب" استفاده می کنند. نصاب طلا، نصاب شتر، نصاب خرما.. زکات بر کسی واجب می شود مگر موضوع زکات به حد نصاب برسد. **بطور مثال** نصاب طلا بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است. دارنده طلا اگر بیش از این اندوخته طلائی داشته باشد باید زکات سالیانه آن را بدهد.

۳. آیا صدقه برای امور جاری جامعه و زکات برای امور زیربنائی جامعه است؟ این تفکیک دقیق تر است. اما بدون منابع دیگر خدادادی جامعه به شکوفائی نمی رسد.

۴. آیا خمس از مالیات‌هایی است که مربوط به حکومت اسلامی است و زکات جزء اموال عمومی جامعه اسلامی محسوب می‌شود؟ در عمل اینگونه نبوده است. زیرا مردم خمس را به دولت ها نمی دادند. به مراجع دینی می دادند. غنمیت های جنگی صدر اسلام هم محدود به اموال کفار و مشرکین می شد. در دوره خلفا و بعد از ایشان جنگ ها بیشتر برای بدست آوردن غنائم بود تا تالیف قلوب و توسعه فرهنگ متعالی اسلام. از این رو، اگر خلافت به علی (ع) می رسید اسلام به دین شمشیر مشهور نمی شد. **علت اینکه یک آیه بیشتر برای خمس نیآمده است زیرا غنائم با دستبرد تفاوت زمین تا آسمان دارد.** ثروت هر کشوری خاص مردم آن کشور است. غارت اموال و آثار باستانی و تصاحب بی حساب و کتاب همسران یک کشوری مورد پسند خدا نیست. **آدم را یاد داعش می اندازد.** برای فاتحین جنگ های اسلامی کار به مراتب سخت تر از فاتحین دیگر جنگهاست. زیرا فاتح جنگ، حق خونریزی ندارد. حق غارت غنائم ندارد. مگر مردم آن کشور را به اسلام دعوت کند. از پول آن کشور برای رفاه مردم آن کشور استفاده کند. حق و عدالت را ترویج کند و همه آحاد مردم آن کشور را با یک چشم ببیند. مگر برای متقین که ارج و قرب بیشتری دارند در تصدی امور و نه کسب درآمدهای بیشتر.

۵. آیا انفاق همان نفقه است؟ صدقه هم زکات است؟ قرض الحسنه همان احسان است؟ پاسخ مشخص است:

۵,۱. **نفقه بیخود و بی جهت صرفا محدود به نفقه زنان شده است. درست است نفقه زن برجسته ترین حکم خدا برای دستگیری بانوان مسلمان و حفظ حقوق مادی و معنوی ایشان است و وجود آیات متعدد موید این موضوع مهم و کلیدی است. اما دادن نفقه در قرآن کریم ابواب و ارحام دیگر هم دارد. انفاق ریشه در راه خدا را دارد. کمک به جبهه ها را دارد. پاداش های عظیم در پی دارد:** وَلَايُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُون– و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی کنند و هیچ وادیی را نمی پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می شود تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می کردند پاداش دهد (توبه/۱۲۱). جالب است در فقه هم معنی نفقه وسیع تر و فراتر از نفقه زن دیده شده است. نفقه عبارت است از مالی که برای ادامه زندگی، صرف مخارج ضروری همسر و فرزندان، خویشاوندان و مانند آنها می‌شود؛ اعم از خوراک، پوشاک، مسکن و غیره (ویکی فقه دانشنامه حوزوی).

۵,۲. **زکات نصاب دارد اما صدقه نصاب ندارد.** زکات در زمان خاص قابل حصول است. بطور مثال پس از برداشت محصول. درحالیکه صدقه مالیات روزانه است. تابعی است از جلب رضایت خداست. رفع مشکلات فرد است. انفاق است. لذا هر واژه در قرآن جایگاه خاص خود را دارد. انواری است که به صورت کلمه بیان شده اند. پس در یک جمله: **انفاق انفاق است، صدقه صدقه است، زکات زکات است، حج حج است، صدقه ضد صدمه است، انفاق عام است، زکات خاص است، قرض الحسنه احسان است. ارث از درآمدهای ویژه برای توزیع ثروت در جامعه است.**

۶. آیا تجمیع همه این نوع وجوهات جایز است؟ نه خیر. به چه دلیل؟ چون اسلام دین ماشین ها نیست. دین انسانهاست. از کوچه و خیابان آن معرفت می ریزد. همدلی می ریزد. **در اسلام پرداخت مالیات ها از روزانه تا سالیانه است**. فرد نمازگزار تا به نماز می ایستد می داند زکاتش را هم باید بدهد. روزه دار می داند روزه کفاره دارد. زکات فطریه دارد. حج گزار می داند قبولی حج منوط به پاک کردن ثروت است. ذبح گوسفند برای فقرا است.

در مستحبات هم انسان مسلمان کم مسئول نیست. دختر همسایه جهیزیه ندارد تامین آن بر هر مسلمانی در حد وسع او واجب است. شهری مسجد و بیمارستان و خوابگاه دانشجوئی ندارد. اگر دولت فقیر یا بی خیال است ساخت آنها بر عهده اهالی آن شهر است.

در مکروهات و محرمات کار سنگین تر است. خانه ام گاو صندوق دارد حتما کارم زار است، از خوردن بیت المال سیر نمی شوم، از بردن اموال بانک ها به خود تردیدی راه نمی دهم، از رنج فقیر رنجور نمی شوم حتما کارم به دباغ خانه خدا می افتد. دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.

تعریف یک جامعه اسلامی:

برای تعریف یک جامعه اسلامی شاید این فرمول جوابگو باشد: داشته ها و نداشته های مردم متوازن و در حد قابل قبول باشد. هیچ قشری خط قرمزهای آن را رد نکنند. حداقل عیار مورد قبول از نظر نگارنده نسبت ۱ به ۱۰۰۰۰ است. بطور مثال از هر ۱۰ هزار نفر یک نفر فقیر و مسکین و درمانده و در راه مانده و.....باشند. در آن صورت به جای صندوق صدقات، کیوسک های صدقات در ترمینالها، بیمارستانها، مساجد، دانشگاه ها، زندانها..گذاشته می شود که هیچ بیمار مسکینی مشکل تهیه دارو نداشته باشد، سالی یکبار یک مسافرت/زیارتی برود، مادام العمر مستاجر نباشد، شغل شریفش از این زندان به آن ندامتگاه نباشد. **بی توجهی به این امور تحمیل هزینه چند برابر به خزانه دولت است**.

هر چقدر فاصله غنی و فقیر، ۲) نمازگزار و بی نماز، ۳) آمار ازدواج و طلاق، ۴) فرار مالیاتی بر قرار مالیاتی، ۵) با سوادی و بیسوادی، ۶) گرسنه و سیر، ۷) غمگین و شاد، ۸) مسافر و غیر مسافر، ۹۸) بدهکار و طلبکار، ۱۰) قلب شکسته و نشکسته، ۱۱) برده و آزاده، ۱۲) هنرمند و غیر هنرمند، ۱۳) مجرد به متاهل، ۱۴) پاک با ناپاک، ۱۵) حق و ناحق، ۱۶) عدالت و بیعدالتی،....کم باشد آن جامعه اسلامی تر است و گرنه رنگ و بوی غیر اسلامی می دهد و هر غربیه آشنا به اسلام در خیابانهای این شهر عبور کند و یا دوربین برای فیلم برداری داشته باشد در می یابد زیر پوست این شهر پر از پلیدی ها، پلشتی ها و ناروائی هاست. با دیگر شهرهای غیر مسلمان تفاوت چندانی ندارد.

چنین ناهنجاریهای فاحش و چنین طبقه بندیهای ناگوار اجتماعی دودمان یک کشور را بر باد می دهد و متولیان و مسببین آن را مستحق چاه ویل (چاهی در قعر جهنم) می کند.

جوامع اسلامی و غیر اسلامی در یک نگاه:

۱. جامعه اسلامی را شایستگان ایجاد می کنند و شایستگان هم اداره می کنند. خدا به این جوامع برکت می دهد.

۲. هر مقدار انحراف از اسلام، امام حسین کشی در پی دارد. نخبه کشی دارد. لعن و نفرین به علی دارد. کربلا سازی دارد. قبور مخفی دارد.

۳. جامعه ائی که برای متمولین سرویس خوب می دهد جامعه انسانی نیست. اسلامی پیشکش.

تصویر کلی از مالیات های اسلامی:

در یک نگاه کلان و یک تصویر کلی تر، همه این تدابیر الهی ۱) احترام به مقام انسان است. ممانعت از تکدی گری است. التماس از غیر برای تامین غذا و پوشاک و.. است، ۲) توزیع عادلانه ثروت است، ۳) جلوگیری از انباشت سرمایه در دست تعداد خاص است، ۴) جهانی فکر کردن است، دین و اخلاق را یکی دیدن است، ۵) مسئولیت جهانی یک مسلمان است، ۵) تالیف قلوب است، ۶) صیانت از ارزشهای انسانی است، ۷) نخزیدن به جانب راست و چپ است، ۸) تبلیغ أُمَّةً وسطی است، ۹) آرامش عمومی جامعه است، ۱۰) درخشیدن در بین ملتهاست.

طبیعی است همه مالیاتها یا با هم دیده می شوند که با معنی است. تاثیرات معنی دار در جامعه اسلامی می گذارد. و یا بدرد یک مثنوی کم مثقال و بی مقدار می خورد.

برداشت آزاد من:

صدقه یک تنخواه با بودجه قابل توجه بنام خدا و بدست پیامبر (ص) برای رفع نیازهای آنی قشر نیازمند جامعه است (تامین نیازهای اولیه مردم). مصارف آن نیاز به حسابرسی ندارد. زیرا اختیار این صندوق بدست یک آدم متقی است. از صفات او:

۱) چشم طمع بر آن ندارد

۲) طمعکاران را از آن دور می دارد

۳) موثقین بنامی را در کنار دست خود دارد.

حرف آخر:

-افسوس که خدا را دیر می شناسیم و وقتی هم که می شناسیم مسافریم.

-درد انسان از اطاعت از نفس و نفسانیت است. از بس لذتهای آنی و حرام های ناهی جذاب و گیرا هستند.

-افسوس که مسلمانان چند آیه از قرآن را در یاد ندارند و به آن هم عمل نمی کنند.

-به من باشد می گویم اسلام بی پناه است. اسلام از مدعیان بیشتر ضربه می خورد تا از مردمان عادی.

-اگر در کعبه، خانه خدا گنج نگهداری می شد معلوم نبود سر آن گنج چه می آمد.

-این گنج امروز احکام کتاب خداست. سرزمینهای غنی کشورهای اسلامی است. اسرائیل بخشی از آن را غصب کرده است کلی تا به امروز سود کرده است. موهبت غرب به اسرائیل که تو خواب هم نمی دید. هرچند که جوجه را آخر پاییز می شمارند اما برای شمارش امروز ما محک بدی نیست.

-با این وصف آیا دین اسلام قابل پیاده شدن است؟ به صورت فردی بلی. به صورت جمعی نه.

-اگر چنین است پس چرا احکام اسلامی با این دقت به پیامبر (ص) نازل شده است؟ پاسخ روشن است. خدا خود این دین را می پسندد و همه را به آن دعوت می کند. صدور احکام ناقص برای آخرین دین خدا در شان این دین نبود.

-آیا دنیا شاهد یک کشور اسلامی ایده آل خواهد بود؟ والله اعلم. آنچه مشخص است منشورش نوشته شده است. احکام اجرائی آن معطل برداشت صریح و دقیق از قرآن است. غرب بپذیرد مسلمانان از آن استقبال خواهند کرد!

-آیا همه فعلا ول معطلیم؟ به ضرس قاطع بلی.

-پس اینهمه دعوا برای پیاده کردن اسلام برای چیست؟ برای دنیاست.

دنیا را بدهند سیرم

دنیا را بخرم دیوم

دیوانه کنند سیرم

بی مایه کنند دیوم

کمتر کسی دارم

دین را به دین دارم

دین را بدین دارم

دنیا به دین دارم

عقبی به فین دارم

مسند از او دارم

منت بر او دارم

داهی است که او دارد

دامی است که من دارم

از دین طلا دارم

از زین زکات دارم

از خمس خبر دارم

بر ارث نظر دارم

خیرات کمی دارم

ارشاد هزار دارم

من مشکل این دینم

عنبر زیاد دارم

انور کمی دارم

کمتر زمان دارم

بیشتر زمین دارم